

داستان هولناک آخرین سفرها

معاون فرهنگی و اجتماعی پلیس آگاهی فراجا درباره خطرات استفاده از مسافربرهای شخصی هشدار داد

لیلا حسین زاده
گروه حوادث
پیشانی فکر، ضریان قلب بالا، تلاش برای یافتن راهی برای فرار، فریادهای پراز استیصال و درماندگی، چند پرده هولناک از نمایشنامه سیاهی است که برخی از مسافربران شخصی با نیات پلید خود برای مسافران زن و دختر اجرا کردند و جان شان را گرفتند. آنها در حالی قربانی جنایت شدند که پلیس بارها هشدار داده است مسافران خانم هرگز سوار خودروهای مسافرپر شخصی غیرمجاز نشوند و در صورت تغییر مسیر و هرگونه اقدام خلاف عرف با پلیس ۱۱۰ تماس بگیرند. در آخرین و تازه ترین مورد از این دست حوادث، چند روز پیش یک زن ۵۵ ساله اهل لامرد به قتل رسید. این زن روز حادثه برای انجام کاری از خانه بیرون رفت، غافل از این که دو سرنشین یک خودروی سمند از چند مسیر او را تعقیب کرده بودند. زن میانسال به تصور این که خودروی سمند مسافرپر است سوار شد اما سارقان او را به منطقه ای پرت برده و به قتل رساندند.

دام راننده تاکسی اینترنتی

در پرونده ای دیگر، یک دختر ۳۰ ساله به نام مریم آقابابایی روز دهم اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۵ در شهرکرد استان چهارمحال و بختیاری، توسط یک راننده تاکسی اینترنتی به قتل رسید و جسد سوخته او توسط یک چوپان پیدا شد. روز جنایت، مریم برای خرید داروی مادرش از خانه خارج شد. پس از تهیه دارو و درخواست تاکسی اینترنتی کرد و مدتی بعد سوار خودرو شد اما تلفن همراه مریم خاموش و از دسترسی خارج بود. خانواده که نگران شده بودند، موضوع را به پلیس اطلاع دادند. پلیس نیز با بررسی تراکتش بانکی و بررسی دوربین های مدار بسته، دریافت که مریم سوار یک خودرو شده است. درحالی که بررسی های پلیس ادامه داشته یک چوپان با پلیس تماس گرفت و اعلام کرد سگ های گله اش در مناطق کوهستانی اطراف شهرکرد به چیزی مشکوک شده اند. او پس از مراجعه به محل، با جسد سوخته زنی مواجه شد. خانواده مریم جسد او را در حالی که هنوز پخشی از صورتش قابل شناسایی بود، تأیید هویت کردند. با کشف جسد مراحل شناسایی متهم آغاز و او پس از دستگیری انکیزه خود از ارتکاب قتل را سرت طلاهای مریم اعلام کرد بنا به گفته های یکی از بستگان مریم در گفت و گو با رسانه ها، متهم اعتراف صریحی نکرده و مدعی شده انگیزه اش سرتقت بوده است. با این که جسد مریم سوزانده شده اما طلاهایش پیدا نشده و گوشی و مدارک مقتول نیز همراه جنازه سوزانده شده تا متهم ردی از خود به جا نگذارد. بازپرس پرونده به خانواده اعلام کرده که پرونده پیچیده است و باید تحقیقات بیشتری انجام شود. پلیس هنوز اطلاعات دقیقی از متهم به قتل به مانده، چون خانواده مریم در شرایط خوبی نیستند و قایل و حتی اهالی این شهر هم از این اتفاق شوکه شده اند.

آخرین سفر ملیکا

پیش از قتل مریم، ملیکا ۲۲ ساله، بهمن ۱۴۰۴ قربانی یک مسافرپر شخصی شد. ملیکا در شرایطی کشته شد که هنوز پرونده الهه حسین نژاد که او هم توسط یک مسافرپر شخصی به قتل رسید، باز بود. ملیکا ساکن قرچک ورامین و دانشجوی ترم آخر رشته گرافیک بود و می بایست یک ماه بعد، از پایان نامه خود دفاع کند. او علاوه بر تحصیل، به عنوان طراح در یک

شرکت تولید محصولات غذایی حوالی میدان آرژانتین تهران نیز مشغول به کار بود. اغلب روزها پدر برای بازگرداندن ملیکا به ایستگاه متروی نیروی هوایی می رفت اما روز هفتم بهمن، ملیکا حوالی ساعت ۱۷ و پس از پایان کارش باید پدر تماس گرفت و گفت تنها به خانه بازمی گردد. پدر هرگز فکرش راه نمی کرد این آخرین باری خواهد بود که صدای دخترش را می شنود. با این که ملیکا به راننده آدرس داده بود اما او ناگهان تغییر مسیر داد. ملیکا به سرعت متوجه ماجرا شد، اعتراض کرد و سپس با یکی از دوستانش تماس گرفت و لوکیشن محلی را که راننده در حال رانندگی بود، برای او ارسال کرد. پس از آخرین تماس، تلفن همراه ملیکا خاموش شد و خانواده که نگران وضعیت دخترشان شده بودند، با مراجعه به پلیس قرچک، مفقودی او را اعلام کردند. مرد کشاورزی که برای سرکشی به مزرعه اش در حوالی یک کانال آب در جاده حسن آباد فشافویه رفته بود، جسد دختر را پیدا کرد و موضوع را به پلیس اطلاع داد. سرانجام متهم به قتل دستگیر شد. به گفته رسانه ها، متهم ۳۹ ساله در اظهارات خود گفته بود که به عنوان ادمین و مدیر کانال های تلگرامی فروشگاه های اسباب بازی و لوازم خانگی فعالیت می کرده و ماهانه حدود ۱۰۰ میلیون تومان درآمد داشته است. او مدعی شده با اختلال و قطع اینترنت، درآمدش دچار مشکل شده و به همین دلیل به مسافرکشی روی آورده که در نتیجه این قتل رخ داده است.

قصاص قاتل الهه

همین چند روز پیش بود که حکم قصاصی قاتل الهه حسین نژاد در زندان اجرا شد. الهه ۲۴ ساله نیز قربانی یک مسافرپر شخصی شد. خرداد ۱۴۰۴ انتشار تصاویر متعدد الهه در فضای مجازی و اعلام مفقودی او از سوی خانواده اش، حضران در این فضا و پلیس را به تلاش واداشت ناردی از او پیدا کنند. انتظارها پس از ۱۱ روز سرانجام به نتیجه رسید و قاتل الهه دستگیر شد. او ابتدا زیر بار ارتکاب جرم نمی رفت اما سپس لب به اعتراف گشود. جسد کشف و با اعتراف بهمن به ارتکاب قتل، او به سزای اعمالش رسید.

قتل زن تاکستانی



۲۰ مردادماه سال ۱۴۰۳ بود که خبر مفقودی یک زن سالخورده دهان به دهان در شهر تاکستان استان قزوین چرخید. شهر در سکوتی وحشت آور فرو رفت و بسیاری از اهالی تلاش کردند تا ردی از زن سالخورده پیدا کنند. به گفته فرمانده انتظامی استان قزوین با اعلام مفقودی زن سالخورده، بررسی موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت و پس از مدتی مشخص شد فرد مفقودی در یکی از خیابان های شهر تاکستان سوار یک دستگاه خودروی مسافرپر شخصی شده و بعد از آن هیچ نشانی از او به دست نیامده است. کارآگاهان اقدام به شناسایی راننده خودرو کرده و موفق شدند مخفیگاه متهم را در یکی از روستاهای تاکستان شناسایی و او را دستگیر کنند. متهم در روند بازجویی ها سرانجام پرده از راز مفقودی زن سالخورده برداشت و به قتل او اعتراف کرد. براساس اعلام این مقام انتظامی، متهم ۳۳ ساله این پرونده، انگیزه خود را سرتقت طلا و جواهرات مقتول اعلام کرده است.

ثبت نشدن هویت راننده

این قتل ها در حالی رخ داده که پلیس بارها در مورد خطرات استفاده از مسافربرهای شخصی به مردم هشدار داده است. رئیس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای شهر تهران نیز می گوید مسافرکشی با خودرو شخصی، فقط یک مسأله خدمات شهری نیست و بلکه یک تهدید امنیتی برای خانواده هاست. البته پلیس راهور تهران هم استفاده از این نوع وسیله نقلیه را تهدیدی مستقیم برای جان مسافر و راننده می داند. با این حال برخی از مردم برای فرار از انتظار و رسیدگی سریع به امور روزانه خود، این خطر را به جان می خرند. علی تجفی توانا، رئیس اسبق کانون وکلای مرکز، حقوقدان و استاد جرم شناسی نیز در بررسی ابعاد جرم شناختی قتل های اخیر با مسافربرهای عبوری گفت: آسیب شناسی قتل های مربوط به مسافر در دو توضیل های مسافرپر، به دلیل تنوع در نوع بزه، شرایط مجرم، زمان و مکان، در یک چارچوب واحد قابل بررسی و ارزیابی علمی نیست؛ «رانندگان تاکسی های مجاز که خودرو و هویت آنها شناسایی شده و دارای مجوز هستند، کمتر دست به چنین جنایاتی می زنند. این جنایت ها اغلب مربوط

به رانندگانی است که به صورت اتفاقی و بدون مجوز فعالیت می کنند و با شناسایی سن، جنسیت و شرایط مسافر، با اهدافی که از پیش در ذهن دارند، اغلب برای سرتقت یا تجاوز، اقدام به ارتکاب جرم می کنند یا پس از سوار کردن مسافر، در جریان مسیر مرتکب جرائمی همچون سرتقت یا تعرض می شوند.» او ادامه داد: «در پرونده معروف به «باغ خرمالو»، فردی با خودروی شخصی وبدون مجوز اقدام به سوار کردن زنان، عمدتا دختران مجرم، می کرد. این فرد با تهدید، قربانیان را به باغی منتقل کرده و مورد تعرض قرار می داد. در مصاحبه ای که پیش از ۱۰ سال پیش با او داشتیم، با وجود این که این فرد متاهل بود اما انگیزه اش را از منظر روان شناسی نوعی انتقام گیری عنوان می کرد. او مدعی بود زمانی که کودک بوده، به خواهر ۱۳ ساله اش تعرض شده و به دلیل ناتوانی پدر در واکنش، احساس خشم و ناراحتی عمیقی در او شکل گرفته و اقداماتش را نوعی انتقام از خانواده ها می دانست. هرچند قربانیان را نمی شناخت اما حس انتقام در او به صورت کرونکرانه رشد کرده و او را به ارتکاب جرم سوق داده بود.»

برش

هشدار پلیس در مورد استفاده

از مسافربرهای شخصی

معاون فرهنگی و اجتماعی پلیس آگاهی فراجا هم با اشاره به ضرورت هوشیاری شهروندان هنگام برخورد با مسافربرهای شخصی و غیرمجاز اظهار داشت: «این خودروها بدون آن که مشخصات شان در سامانه های مربوطه ثبت شده باشد، اقدام به تردد و جابه جایی مسافر می کنند.» سرهنگ محمد شریفی با بیان این که فعالیت برخی از مسافربرهای غیرمجاز در سطح شهر، زمینه ساز جرائم مختلف می شود با اشاره به گزارش در این خصوص افزود: «در پی افزایش سرتقت های به عنف تحت عنوان مسافرپر توسط سرنشینان دو دستگاه خودرو پژو رو و پراید در سطح شهر مقدس مشهد، موضوع شناسایی و دستگیری سارقان، کشف و استرداد اموال مسروقه به صورت ویژه در دستور کار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت.» وی تصریح کرد: «کارآگاهان این استان با انجام اقدامات فنی طی یک عملیات یکی از سارقان را دستگیر کردند. وی پس از انتقال به پلیس آگاهی به همدستی هفت سارق و دو مالخر دیگر اعتراف کرد.» معاون فرهنگی و اجتماعی پلیس آگاهی فراجا با بیان این که تمام متهمان در یک عملیات پلیسی به صورت همزمان دستگیر شدند، عنوان کرد: «پلیس در تحقیقات به عمل آمده و همچنین مواجهه حضوری متهمان با مالباختگان تا کنون ۵۸ فقره از سرتقت ها ر کشف کرده است.» سرهنگ شریفی توصیه کرد: «شهروندان به خصوص بانوان برای حفظ امنیت خود در هیچ شرایطی به تنهایی سوار خودروهای مسافرپر غیرمجاز نشوند و چنانچه در شرایط اضطرار قصد استفاده از این وسایل را دارند بهتر است مشخصات خودرو را به بستگان خود اطلاع داده و به محض مشاهده هرگونه رفتار مشکوک یا تغییر ناگهانی مسیر، مراتب را در اسرع وقت با مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ در میان بگذارند.» وی هشدار داد: «جرممانی که در پوشش مسافرپر قصد سرتقت از هموطنان را دارند بدانند، کارآگاهان پلیس آگاهی در برخورد با این گونه جرائم قطعانه برخورد کرده و با بهره گیری از آخرین روش های کشف علمی جرم آنها را شناسایی و در کمترین زمان ممکن دستگیر خواهند کرد.»

مرگ شوهر باسیانور، عروس را گرفتار کرد

روز پیش با زداشت شد، وی در تشریح ماجرا گفت: شوهرم سال ها بود اعتیاد داشت. بارها او را در کمپ بستری کردم اما بیرون که می آمد مصرف مواد را دوباره از سر می گرفت. او حاضر به ترک اعتیادش نبود. همین باعث شد همیشه با هم درگیر باشیم. او کنکم می زد و شرایط زندگی را برایم بهتر نمی کرد. اعتیاد او باعث شده بود دچار مشکلات متعددی شویم و همه اعضای خانواده را به دردرس بیندازد. رفته از بانک وام گرفتم و دوستش ضامن او شد. مدت ها بود که اقساط آن را پرداخت نمی کرد و او را به دردرس انداخته بود.

زن میانسال ادامه داد: من با دوست او که ضامن وام مان شده بود حرف زدم تا مدتی فرصت دهد مشکل را حل کنم. همین موضوع باعث آشنایی من با او شد اما شوهرم از ماجرا خبر نداشت. بیشتر تلفنی

و چند مرتبه هم ملاقات هایی با او داشتیم. او به من قول داد شوهرم را به کمپ ببرد و برای مدتی طولانی بستری کند تا اعتیادش را ترک کند. آن روز شوهرم از خانه بیرون رفت. بعد از ظهر به من بارها زنگ زد و خواست یک میلیون تومان به حسابش واریز کنم. وی افزود: نمی خواستم آن را پرداخت کنم. چون می ترسیدم این پول را هم ببرد و خرج مواد کند. آن قدر زنگ زد که خسته ام کرد و مجبور شدم پول را واریز کنم. دیگر از شوهرم خبری نشد که او را کمپ بستری کنم. عصر وقتی به خانه آمد رنگ بر چهره نداشت و حالش بد بود. مقابل بچه ها تلوتلومی خورد. آخر هم تعادلش به هم خورد و پایش به میز میلمان برخورد کرد و افتاد و بیهوش شد. او را به بیمارستان رساندم اما فوت شد. اکنون متوجه شدم مرگ او مسمومیت با سیانور بوده. من در مرگ او نقشی نداشته ام و خانواده اش اشتباهی از من شکایت کرده اند.

سرهنگ مرتضی نثاری معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران

بزرگ با تایید این خبر گفت: تحقیقات از متهم زن به عنوان مظنون اصلی

پرونده در حالی ادامه دارد که مرد آشنانیز تحت تعقیب قرار گرفته است.



زن میانسال به عنوان مظنون اصلی مرگ شوهرش بازداشت شد. این در حالی است که پزشکی قانونی علت مرگ شوهر او را مسمومیت با سیانور اعلام کرد و خانواده همسرش از عروس شان به اتهام قتل عمد شکایت کرده اند. به گزارش خبرنگار جام جم، روزهای پایانی شهریور امسال مردی با حضور در پلیس آگاهی تهران از عروس خانواده شان به اتهام قتل برادرش شکایت کرد و گفت: برادر میانسال سال ها قبل ازدواج کرد و دارای فرزندانی است. او اخلاقاتی با زنش داشت و این اواخر دامنه این اختلافات بیشتر شده بود. چند مرتبه با میانجیگری ما به دعوا و درگیری شان پایان دادند اما اختلافات شان دوباره ادامه پیدا کرد. یک روز همسرش به ما زنگ زد که حال برادر زن من خوب نیست و در بیمارستان بستری شده. من و دیگر اعضای خانواده خودمان را به بیمارستان

رساندیم. برادرم تحت مراقبت پزشکی بود اما بعد از ساعاتی فوت کرد.

وی افزود: پزشکان نتوانستند علت مرگ او را مشخص کنند. ما هم گفتیم شاید چون اعتیاد داشته همین مسأله باعث فوتش شده. جسد او به پزشکی قانونی رفت تا علت مرگش مشخص شود. بعد هم جواز دفن برادرمان صادر شد. جسد را تحویل گرفتیم و دفن کردیم. در این مدت هم عروس مان زیاد با من و بقیه اعضای خانواده ارتباط نداشت. بچه هایش را هم کمتر ملاقات می کردیم. شاکی ادامه داد: چند ماه از مرگ برادرمان گذشته بود که به تازگی از پزشکی قانونی پیگیری علت مرگش بودم که مطلع شدم علت مرگ او مسمومیت با سیانور بوده. موضوع را به بقیه اعضای خانواده باگو کردم و همه در شوک هستیم. با توجه به این که عروس خانواده اختلافات زیادی با برادرمان داشت گمان می کنیم او را به قتل رسانده باشد. به نمایندگی از اعضای خانواده آمده ام اداره پلیس تا از عروس مان به اتهام قتل عمد شکایت کنم. با جمع بندی این اطلاعات و با هماهنگی قضایی عروس خانواده به عنوان مظنون اصلی مرگ شوهرش تحت تعقیب قضایی قرار گرفت و دو

جام جم

حوادث

INCIDENT

پنجشنبه ۲ مهر ۱۴۰۵ ■ شماره ۷۴۲۵

📰 **تلنگر**

جویندگان کار، اسیر آدمربایان



مردی که با همدستی دوستان فراری اش، جویندگان کار را می ربود و بعد از شکنجه، از خانواده هایشان اخاذی می کرد، دستگیر شد. همدستانش متواری شدند و دو گروگان نیز از اسارتگاه نجات یافتند.

به گزارش خبرنگار جام جم، روزهای پایانی نیمه اول شهریور امسال، مردی با حضور در شعبه دهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران در شکایتی اعلام کرد، عده ای پسرش را ربوده و در قبال آزادی او درخواست پول کرده اند. با دستور قضایی پرونده برای ادامه تحقیقات به پلیس آگاهی تهران ارسال شد و شاکی در تشریح ماجرا گفت: پسر ۲۵ ساله ام برای کار از افغانستان به تهران آمده بود و تلفنی با او حرف می زدم. یک هفته هرجه به تلفن او زنگ زدم، خاموش بود. از دوستانش پرسیدم که آنها نیز از پسرم خبری نداشتند. در ادامه مردی غریبه به تلفن همراهم زنگ زد و مدعی شد پسرم را ربوده و در اسارتگاه اوست و برای آزادی اش درخواست ۴۰۰۰ دلار کرد. سپس صدای ناله های پسرم را برایم پخش کرد. مطمئن شدم او ربوده شده است. وی افزود: به سختی توانستم ۵۰۰ دلار از طریق رمز ارز به حساب اعلامی او واریز کنم. سپس ۸۰ میلیون تومان دیگر خواست که آن را هم به حسابی در ایران واریز کردم اما او همچنان تهدید می کرد باید بقیه پول را در قالب ارز دیجیتال به حساب او واریز کنم اما نتوانستم بقیه پول درخواستی را فراهم کنم و اکنون می ترسم پسر مرا به قتل برسانند.

تحقیقات پلیسی ادامه داشت تا این که خانواده دیگری نیز به اداره پلیس تهران آمدند و گفتند برادرشان که در تهران کار می کرده از سوی افرادی ربوده شده و آدمربایان برای آزادی او ارز دیجیتال و پول ایرانی، همراه یک گوشی خواسته اند. ۶۰ میلیون تومان و گوشی را از طریق پیک به بوستانی در جنوب تهران رساندیم و پشت دیواره مخروبه ای گذاشتیم اما نتوانستیم هنوز ۲۰۰۰ دلار را به عنوان ارز دیجیتال به حساب شان واریز کنیم. می ترسم برادرم را به قتل برسانند.

این در حالی بود که معلوم شد پول های خواسته شده بیشتر به حساب هایی واریز شده که مالکان آن افراد معتاد بوده اند. مأموران به دنبال آدمرباها بودند که روزهای پایانی هفته گذشته پی بردند با پول واریزی به یکی از حساب ها از یک فروشگاه خریدهایی انجام شده است. با حضور مأموران و بررسی فیلم مدار بسته تصویر مردی ایرانی یافت شد. با مشخص شدن هویت متهم، وی دو روز پیش در مخفیگاهش در جنوب تهران شناسایی و بازداشت شد.

متهم که در تحقیقات منکر ارتکاب جرم بود سرانجام اعتراف کرد و گفت: فهمیدم یکی از دوستانم کارگری را که برایش کار می کرد، ربوده و پس از اخاذی از خانواده اش در قبال آزادی، گروگان را پس از دو هفته شکنجه آزاد کرده بود. با اطلاع از این اتفاق من هم چون مشکلات مالی داشتم تصمیم گرفتم با دو همدست فراری ام به همین شیوه آدمربایی و اخاذی کنیم. گروگان ها را در خیابان شناسایی و به بهانه کار با دستمزد بالا با خودمان به خانه قدیمی می بردیم و به اسارت می گرفتیم. سپس در تماس با خانواده هایشان در قبال آزادی گروگان ها اخاذی می کردیم. با ترغدد اجاره کارت های بانکی افراد معتاد، پولشویی از راه اخاذی ها را انجام می دادیم. بعد از اخاذی ها هم گروگان ها را راه می کردیم.

با اعتراف او مأموران در اسارتگاه آدمربایان دو گروگان را که به غل و زنجیر کشیده شده بودند نجات دادند. معلوم شد مدتی متهم و دو همدستش متواری اش به شیوه مشابه افراد را ربوده، زندانی و شکنجه کرده و در قبال آزادی آنها از خانواده هایشان اخاذی می کردند. قبل از این که پلیس سر برسد هشت نفر دیگر آنجا گروگان بودند که بعد از اخاذی از خانواده هایشان آنها را رها کرده بودند اما چون خانواده دو گروگان در بند، پول کامل را نپرداخته، همچنان در اسارتگاه مانده بودند.

احسان شکیب نژاد، بازپرس شعبه دهم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: متهم در بازداشت به سر می برد و تحقیقات برای دستگیری همدستان فراری او و رازگشایی از دیگر جرایم شان ادامه دارد.